

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
			تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

شرح فرازی از زیارت جامعه‌ی کبیره

❁ امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه‌ی کبیره در مورد اهل بیت علیهم السلام می‌فرمایند: «ذَكَرْتُمْ فِي الدَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ»^۱: ذکر شما اهل بیت علیهم السلام در وجود ذاکران و نام‌های شما در اسماء و بدن‌های شما در داخل بدن‌ها و روح‌های شما در روح‌ها و جان‌های شما در جان‌ها و آثار شما در آثار و قبرهای شما در قبرها قرار دارد. پس آنها را در درون خودت پیدا کن.

اگر ارواح آنها در روح ماست، اگر انفس آنها در نفس ماست، اگر اجساد آنها در جسم و بدن ماست، پس آنها در درون ما هستند. روشن‌تر از این چطور توضیح دهیم؟ همه‌ی مراتب وجودیشان را نام بردند. هر هفت مرتبه را نام بردند. پس آنها را در درون خودت پیدا کن. خیلی در بیرون نگرد. در درون خودت بگرد. آنها در روح تو هستند؛ در نفس تو هستند؛ در جسم تو هستند. در درون خودت بگرد و اهل بیت علیهم السلام را پیدا کن. بارها این را گفته‌ایم که اهل بیت علیهم السلام آیات الهیه هستند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي»^۲: خدا/آیه‌ی بزرگتر از من ندارد. از طرف دیگر، قرآن فرمود: «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ»^۳: ما به زودی آیات خود را در آفاق که جهان بیرون است،

^۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶ و مجلسی، بحار، ج ۹۹، ص ۱۳۲ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.

^۲. مجلسی، بحار، ج ۲۳، ص ۲۰۶ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۹۸.

^۳. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۵۳.

و در نفس‌های آنها، در درون آنها به ایشان نشان می‌دهیم. در جای دیگر نیز فرمود: «**وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ؛ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ**»^۴؛ نگاه نمی‌کنی؟ نگاه کن و آنها را ببین. ببین که در درون تو هستند. به ملاقات درونی با اهل بیت علیهم‌السلام نایل شو. آن قدر نزدیک است که از خودت نزدیک‌تر است. گفت:

دوست نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که دوست در کنار من و من مهجورم

نمی‌خواهم وارد بحث‌های عقلانی این مسأله شوم که حضور علت در معلول، اشدّ از حضور معلول است در معلول. معلول مرتبه‌ی نازله‌ی خودِ علت است. مگر می‌شود از علت جدا باشد؟ مگر می‌شود علت در آن حضور نداشته باشد؟ نمی‌خواهم وارد این گونه بحث‌ها شوم. باور کنیم که اهل بیت علیهم‌السلام در درون خود ما هستند. همانطور که در مباحث پیشین "مصباح" گفته‌ایم، آن قدر نزدیک هستند که از شدت نزدیکی دیده نمی‌شوند.

يَا مَنْ هُوَ إِخْتَفَى لِقَرَطِ نَوْرِهِ الظَّاهِرُ البَاطِنُ فِي ظُهُورِهِ

از فرط نورش مخفی شده است؛ از شدت نزدیکیش مخفی شده است. گفته‌ایم که قدرت بینایی چشم مال نور چشم است؛ اما چشم نمی‌تواند نور چشم را ببیند؛ و امام چیست؟ در زیارات در وصف امام می‌خوانید که: «**نورِ أَبْصَارِ الْوَرَى**»: نور چشم‌های خلائق «**وَ خَيْرٍ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى**»^۵. لذا در درون خودت است. تا در بیرون به دنبالش می‌گردی، او را پیدا نمی‌کنی. در بیرون به دنبالش می‌گردی؟ مثل اینکه کسی در خانه‌ات است، اما تو رفته‌ای در کوچه، در خیابان، در بزرگراه‌ها، در صحراها و در کوه‌ها به دنبالش می‌گردی. بگرد. او در خانه‌ی خودت است. اگر گشتی، خسته شدی، مأیوس شدی،

^۴ سوره‌ی ذاریات، آیه‌های ۲۰ و ۲۱.

^۵ مجلسی، بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۲ و طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴ و محدث‌قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.

به خانه‌ات برگشتی و آمدی در خانه نشستی، می‌بینی ای داد بی‌داد! او از روز اوّل همین‌جا پهلوی خود من بود. من نمی‌دیدمش؛ چون حواسم جاهای دیگر بود و جاهای دیگر به دنبالش می‌گشتم. اصلاً نمی‌توانستم تصوّر کنم که همین‌جا بغل خودم است؛ همین‌جاست. تصوّر نمی‌کردم؛ لذا فکر می‌کردم جاهای دیگر است. به جمکران می‌رفتم که ببینمش؛ به مسجد سهله می‌رفتم که ببینمش؛ به رَضوی، می‌رفتم به ذی‌طوی می‌رفتم که ببینمش. این شعر را بارها خوانده‌ام:

گفتم به کام وصلت خواهیم رسید روزی گفتا که نیک بنگر، شاید رسیده باشی

نیک بنگر. این نیک بنگر است که مهم است. درست نگاه کن! خوب نگاه کن! ببین مگر می‌شود که من نباشم و تو باشی؟ مگر می‌شود؟

داخل کروش، عبارتی توسط نویسنده‌ی مصباح‌الهدی -البته مرحوم نویسنده- اضافه شده است:

"شبهه مضامین مذکور در زیارت جامع‌ی کبیره، در صلواتی که از حضرت رضا علیه‌السلام روایت شده است نیز وجود دارد." من این روایت را در جاهای متعدّدی دیده‌ام. البتّه هنوز موقّق نشده‌ام که آن را در جوامع حدیثی پیدا کنم. یکی از جاهایی که زیاد آن را دیده‌اید، قبرستان‌های مؤمنین است. در بسیاری از قبرستان‌های مؤمنین، این صلوات را روی سنگ قبرها کنده‌اند یا روی تابلویی نوشته و نصب کرده‌اند. به هر حال، این روایت مشهور است. امیدواریم که خدا توفیق دهد سند حدیثی را هم پیدا کنیم.

"شبهه مضامین مذکور در زیارت جامع‌ی کبیره، در صلواتی که از حضرت رضا علیه‌السلام روایت شده است نیز وجود دارد و حضرت در مورد آن صلوات فرموده‌اند: اگر در قبرستان مسلمین یک بار خوانده شود، تا ده سال و اگر دو بار خوانده شود، تا چهل سال و اگر سه بار خوانده شود، تا ابد عذاب از اهل آن قبرستان برداشته می‌شود و اگر بر سر قبر پدر و مادر خوانده شود، حقّ آنها ادا شده است."

حق پدر و مادر چقدر سنگین است؟! این صلوات خیلی عظیم است! چیز خیلی بزرگی است! قبلاً برایتان نقل کرده‌ام؛ زمانی کسی مرحوم شده بود و من با تعدادی از رُفقا برای مراسم تدفین او می‌رفتم. رفیق اهل بصیرتی داشتم که چشم باطنش باز است؛ پیرمردی است. او زودتر از ما به بهشت زهرا رفته بود. ما بعد وارد شدیم. همین‌که با ماشین وارد شدیم، من همین صلوات را خواندم. البته یادم نیست که به دوستان گفتم که همراه من بخوانید یا نه. بعد که به آن بزرگ رسیدیم، گفت: من نمی‌دانم چه بود؛ ولی حدود یک ربع قبل، عذاب از قبرستان برداشته شد. بعداً به ایشان گفتم که ما این صلوات را خواندیم. این هم خاطره‌ای بود راجع به این صلوات. عبارت صلوات این است. شما هم در دلتان بخوانید. اگر بخواهیم باز کنیم که این اهل قبرستان یعنی چه، معانی متعددی دارد. فقط یک صورت آن، صورت ظاهری، یعنی بهشت زهرا و قبرهایی است که افرادی که از دنیا رفته‌اند، آنجا مدفونند. شاید مرتبه‌های دیگری هم داشته باشد. بعضی اشخاص بدنشان قبرشان است و در این بدن مدفونند؛ مرده‌اند و مدفونند؛ و شاید این صلوات آنها را زنده کند؛ حیات ببخشد. قرآن که فراوان از کفار به میت تعبیر کرده است. در صورت ظاهر هم در خیابان راه می‌روند، حرف می‌زنند، کار می‌کنند؛ اما مرده‌اند؛ در قبر بدن مدفون هستند؛ بدن قبرشان است. آن صلوات این است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا دَامَتِ الصَّلَاةُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا دَامَتِ الْبَرَكَاتُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا دَامَتِ الرَّحْمَةُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ وَ صَلِّ عَلَى جَسَدِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ وَ صَلِّ عَلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ وَ صَلِّ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الصُّورِ وَ صَلِّ عَلَى تُرْبَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي التُّرَابِ وَ صَلِّ عَلَى نُورِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَنْوَارِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ترجمه‌ی آن این است:

خداوندا! تا صلوات باقی است، بر محمد و آل محمد ﷺ صلوات بفرست و تا برکات باقی است، بر محمد و آل محمد ﷺ صلوات بفرست و تا رحمت باقی است، بر محمد و آل

محمد ﷺ صلوات بفرست. بار الها! بر روح محمد و آل محمد ﷺ که در روحهاست، صلوات بفرست و بر جسد محمد و آل محمد ﷺ که در جسدهاست، صلوات بفرست و بر قبر محمد و آل محمد ﷺ که در قبرهاست، صلوات بفرست و بر صورت محمد و آل محمد ﷺ که در صورتهاست، صلوات بفرست و بر تربت محمد و آل محمد ﷺ که در تربتهاست، صلوات بفرست و بر نور محمد و آل محمد ﷺ که در نورهاست، صلوات بفرست. به رحمتت، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان!

قسمت دوم این صلوات هم اشاره به همین است که روح آنها در روح ما، جسم آنها در جسم ما، صورت آنها در صورت ما، نور آنها در نور ما و ... است. پس آنها در درون ما هستند. باید گشت و پیدایشان کرد. حقیقت آنها را در کاوش درونی باید پیدا کرد؛ در جستجوی درونی باید پیدا کرد. باید سری به درون کرد. به سرداب درون سر فرو کن تا آثاری از آن یار گمشده، پیدا و مکشوف شود، امیدواریم خدا به همه‌ی ما کمک کند تا بتوانیم آن حقیقت را در این سیر باطنی ملاقات کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ